Family Pathology, Counseling & Enrichment
آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده
2018. Vol. 3, N. 2 (6), 1-20
۱۳۹۶، ۳، ۲ (پیاپی ۶): ۲۰-۱
دریافت مقاله: ۹/۰۳/۱۳۹۶
پذیرش نهایی: ۲۱/۱۰/۱۳۹۶

تأثیر وابستگی به همسر بر احساس گرفتاری و بی‌رمقی زناشویی دانشجویان متأهل

The effect of spouse-specific dependency on entrapment and couple burnout in married students

آرزو بروزی *
فاطمه شاطریان محمدی **
آزاده فرقدانی ***

Arezo Broozi
Fatemeh Shateryan Mohammadi
Azadeh Fraghdani

چکیده

با توجه به اهمیت پایداری رابطه میان زوجین در زندگی مشترک، هدف این پژوهش بررسی تأثیر وابستگی خاص به همسر و جنسیت بر احساس گرفتاری و بی‌رمقی زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم است. آزمودنی‌ها دربرگیرنده ۳۵۰ نفر از دانشجویان زن و مرد متأهل دانشگاه آزاد قم بود که در سال ۹۵-۹۴ در این دانشگاه مشغول به تحصیل بودند. این افراد به‌صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. درنهایت ۸۰ نفر از آنان به خاطر داشتن ملاک لازم وارد تحلیل شدند. داده‌های پژوهش با به‌کارگیری پرسشنامه‌های وابستگی خاص به همسر راتوس و اولیری ۱۹۹۸، احساس گرفتاری گیلبرت و آلن، ۱۹۹۸ و سنجه بی‌رمقی زناشویی پاینز،۲۰۰۶ گردآوری‌شده و با نرم‌افزار spss18 مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان‌گر از آن بود که وابستگی خاص به همسر و جنسیت بر بی‌رمقی زناشویی دانشجویان تأثیر هم‌زمان داشت که نقش وابستگی خاص به همسر بر بی‌رمقی زناشویی در دانشجویان زن متأهل بیشتر از دانشجویان مرد متأهل بود (F=4/2, P<0/05). بی‌رمقی زناشویی دانشجویان متأهلی که وابستگی بالایی به همسر داشته‌اند بیشتر از دانشجویانی بود که تراز وابستگی به همسر در آنان پایین بود. جنسیت به‌تنهایی تأثیری در بی‌رمقی زناشویی نداشت(F=0/02, P=0/9). وابستگی خاص به همسر و جنسیت بر احساس گرفتاری دانشجویان تأثیر هم‌زمان نداشت (F=0/21, P=0/65). جنسیت به‌تنهایی نقشی در تغییرات احساس گرفتاری دانشجویان نداشت(F=1/8, P<0/18)؛ ولی وابستگی خاص به همسر به‌طور مستقل بر احساس گرفتاری دانشجویان تأثیر دارد (F=5/6, P<0/05)؛ بنابراین نتیجه می‌گیریم که وابستگی خاص به همسر در بروز احساس گرفتاری وبی رمقی زناشویی تأثیر دارد.

واژگان کلیدی: *گرفتاری، جنسیت، بی‌رمقی زناشویی، وابستگی خاص به همسر*

Abstract

Based on the importance of sustainability of the relationship between couples, the purpose of this research was conducted to investigate the effect of spouse-specific dependency and gender on entrapment and couple burnout in married students of Islamic Azad University of Qom. Participants included 350 students of Azad University of Qom. Married men and women were enrolled in the years 2015-2016. They were selected by multi-stage cluster sampling and finally 80 students were analyzed for having entered the necessary criteria. Research data using of Spouse-Specific Dependency Scale (Rattus and O'Leary, 1997), involvement scale (Gilbert and Allen, 1996) and Couple Burnout Measurement (Pines, 2006) were collected. Results indicated that spouse-dependency and gender effect on students' couple burnout simultaneously. Role of spouse-specific dependency on couple burnout in married female students were more than married man students (F=4/2, P<0/05). Couple burnout in married students that have highly spouse-specific dependence was more than married students that have lowly spouse-specific dependency. Gender alone had no effect on couple burnout (F=0/02, P=0/9). Spouse-specific dependency and gender had no effect on entrapment simultaneously (F=0/21, P=0/65). Gender alone had no effect on entrapment (F=1/8, P=0/18). But spouse-specific dependency alone had impact on entrapment (F=5/6, P<0/05). Then spouse-specific dependency effects on students' couple burnout and entrapment.

Key words: *entrapment, gender, couple burnout, spouse-specific dependency*

* . کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، ساوه، ایران
. **نویسنده مسئول: دکترای روانشناسی تربیتی، استادیار دانشگاه آزاد، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، ساوه، ایران
fshaterian@iau-saveh.ac.ir تلفن: ۰۹۱۲۲۵۱۶۵۸۵ کد پستی: ۳۷۱۹۹۷۹۴۷۹
***.دکترای مشاوره، استادیار دانشگاه آزاد، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، ساوه، ایران

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.24234869.1396.3.2.4.9]

مقدمه

بیشتر جوانان امروزی از عشق و ازدواج توقع فراوانی دارند که همین توقعات زمینه مشکلات بسیاری را برایشان فراهم می‌کند. اغلب مردم هنگامی‌که عاشق می‌شوند امیدوارند که عشقشان همیشگی و جاویدان باشد و این امیدواری آن‌چنان نیرومند است که می‌تواند باعث شود که افراد چشم‌های خود را بر روی حقایق ببندند و پس از چند گاهی هنگامی این افراد با واقعیت‌های زندگی و مشکلات هرروزه رودررو می‌شوند درمی‌یابند که عشق رؤیایی آن‌ها نتوانسته است به زندگی‌شان معنا ببخشد و همین نبود هماهنگی میان توقعات و واقعیت منجر به بی‌رمقی زناشویی می‌گردد (پاینز، ۲۰۰۶). آغاز بی‌رمقی به‌ندرت ناگهانی است و معمولاً تدریجی و به‌سختی از یک پدیده ناگوار و ناراحت‌کننده ناشی می‌شود (نعیم، ۱۳۹۱). درواقع، بی‌رمقی زناشویی، حالت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است که زوج‌های متوقع را متأثر می‌سازد. این حالت هنگامی بروز می‌کند که آن‌ها متوجه می‌شوند علی‌رغم کوششان، رابطه آن‌ها به زندگی معنا نداده و نخواهد داد. بی‌رمقی زناشویی از عدم تناسب میان واقعیات و توقعات، ناشی می‌شود و تراز آن به تراز سازگاری زوج‌ها و باورهایشان بستگی دارد. بی‌رمقی با فروپاشی رابطه و با رشد آگاهی و توجه به چیزهایی که به‌اندازه گذشته خوشایند نیستند، شروع می‌شود و اگر در این مرحله کاری برای جلوگیری از پیشرفت این روند صورت نگیرد، همه‌چیز از مرحله بد، بدتر می‌شود (پاینز، ۲۰۰۶). رضایت از زندگی زناشویی مهم‌ترین رکن سلامت روانی خانواده در گروه‌های مختلف خصوصاً جوانان است لذا، توجه به عوامل مؤثر در نارضایتی و دلسردی از زندگی زناشویی در جامعه دانشجویی که به‌واسطه تحصیلات خود سطح توقعات بالاتری از ازدواج هم دارند از اهمیت خاصی برخوردار است.

یکی از جدیدترین رویکردهایی که در تبیین اختلال افسردگی ارائه‌شده است نظریه احساس گرفتاری است (گیلبرت و آلن[1]، ۲۰۰۸). این احساس باعث مسائلی همچون بی‌رمقی در روابط زناشویی می‌شود (گیلبرت، ۲۰۰۹)، احساس گرفتاری یا احساس به تله افتادن، نوع خاصی از تفکر و احساس است که به تله یا دام افتادن انسان در موقعیتی که تمایل به دوری از آن دارد، اطلاق می‌شود (گیلبرت و الن، ۲۰۰۸). همچنین احساس گرفتاری به‌عنوان توقف اجبارگونه فعالیت انسان که همواره رو به افزایش است (آرنولد

1.Gilbert & Allan

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1396.3.2.4.9]

و الشکی[1]، ۲۰۱۳) و ناتوانی فرد در فرار و گریز از موقعیت تعریف می‌شود (تراشل و همکاران[2]، ۲۰۱۰). فردی که احساس گرفتاری را تجربه می‌کند تصور می‌کند رفتارهای دفاعی وی فاقد کارای است (گیلبرت، ۲۰۰۹) و لذا، تمایل گریز از موقعیت جاری دارد؛ درعین‌حال فکر می‌کند تمام راه‌های ممکن برای فائق آمدن وی بر این موقعیت مسدود شده است (گیلبرت و الن، ۲۰۰۸). پژوهش‌ها نشان داده است که احساس گرفتاری با اشکال مختلف اختلالات روانی از قبیل افسردگی (گیلبرت، ۲۰۰۹)، خودکشی، اختلال استرس پس از سانحه و سایر اختلالات اضطرابی رابطه دارد (تیلور و همکاران[3]،۲۰۱۰). میدانوکی و همکاران (۲۰۱۰) وابستگی مشترک و سلامت روان را در دانشجویان رفاه اجتماعی موردبررسی قراردادند. نتایج نشان داد که میان وابستگی و سلامت روان و افسردگی رابطه معنی‌دار وجود دارد. سوسان[4] (۲۰۰۹) وابستگی هیجانی زنان را نسبت به مردان موردسنجش قرار داد. نتایج نشان داد که وابستگی هیجانی زنان با مردان با وابستگی مردان به زنان تفاوت دارد. همچنین، یافته‌ها نشان داد که وابستگی هیجانی به‌طور منفی با سن، تحصیلات و نگرش‌های فمینیستی رابطه داشتند و در زنان شاغل کمتر بود.

وابستگی هیجانی[5] را می‌توان به‌عنوان مجموعه‌ای رفتارهای ناسازگارانه و وسواسی دید که شخص فرامی‌گیرد تا در خانواده‌ای که درد و استرس هیجانی فوق‌العاده‌ای را تجربه می‌کند، مثل اعضای الکلی خانواده یا دیگر اعتیادها، سوءاستفاده جنسی و یا سایر بدرفتاری‌های در خانواده یا اعضای مبتلابه بیماری‌های مزمن یک خانواده، روزگار را سپری کند. افراد وابسته تمایل شدیدی به ورود رابطه با افرادی را دارند که به لحاظ هیجانی در دسترس و نیازمند هستند و تلاش می‌کنند تا یک رابطه را کنترل کنند، بدون آنکه نیازها و تمایلات خود را ابراز کنند و در یک حالت عدم کامروایی مداوم قرار می‌گیرند. آن‌ها سعی می‌کنند از شخصی که دچار یک وضعیت بحرانی است، مراقبت کنند ولی مراقبت و توجه به یک وسواس و ناکامی تبدیل می‌شود. درواقع این نوع وابستگی رابطه‌ای است که با زندگی کردن به خاطر کنترل دیگران، حل کردن مشکل دیگران و نگرانی بیش‌ازحد درباره صمیمیت مشخص می‌شود و هنگامی

1.Arnold, Elsheikh
2.Trachsel etal
3.Tayloretal
4.Susan
5.emotional dependency

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1396.3.2.4.9]

رخ می‌دهد که شخص (همسر، شریک زندگی) با رفتارهای اعتیاد گونه و ناکارآمدش، افکار و احساسات و رفتار اشخاص دیگر را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد (یانگ، ریگ، وین برگر و بک[1]، ۲۰۰۸). همچنین، دوگان[2] (۲۰۱۰) وابستگی و سلامت روان و افسردگی را بر روی زوجینی که یکی از طرفین دچار افسردگی بود بررسی کردند و نتایج مشخص کرد که وابستگی یک صفت فردی است. در زوج‌هایی که یکی از طرفین افسرده است، وابستگی، افسردگی بیشتر، شناخت‌های منفی و اضطراب را پیش‌بینی کرده و انسجام پایین‌تر و خشنودی رابطه‌ای پایین‌تر را نیز پیش‌بینی می‌کند و درنتیجه با سلامت روان رابطه منفی وجود دارد. در پژوهشی دیگر، میدانوکی، ناگاتومو، تانگایوکو و میرا[3] (۲۰۱۰) وابستگی مشترک و سلامت روان را در دانشجویان رفاه اجتماعی موردبررسی قراردادند. نتایج نشان داد که میان وابستگی، سلامت روان و افسردگی رابطه معنی‌دار وجود دارد.

با توجه به پیامدهای احساس وابستگی (دوگان، ۲۰۱۳؛ میدانوکی و همکاران، ۲۰۱۰)، به نظر می‌رسد این عامل در تبیین متغیرهایی از قبیل بی‌رمقی زناشویی[4] و احساس گرفتاری[5] نقش داشته باشد. پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که وابستگی خاص به همسر دارای پیامدهای مختلفی است. باتی[6] (۲۰۰۸) معتقد است افرادی که وابستگی زیادی را احساس می‌کنند معمولاً، اصول خاصی را برای خود وضع می‌کنند و بر اساس این اصول عمل می‌کنند. اصولی از قبیل صحبت نکردن، اعتماد نداشتن، اهمیت بیشتر به نیازهای دیگران نسبت به نیازهای خود. لذا، این اصول می‌تواند رشد سالم و آزاد عزت‌نفس و مهارت‌های مقابله‌ای را محدود سازد. در پژوهشی دیگر، بختیار پور و عامری (۱۳۸۸) نشان دادند که میان وابستگی خاص به همسر و باورهای غیرمنطقی با بی‌رمقی زناشویی دبیران رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد.

ازآنجایی‌که خانواده و پایداری روابط در میان زوجین از اهمیت خاصی برخوردار است و ازآنجاکه در زمینه وابستگی خاص به همسر و تأثیر آن بر بی‌رمقی و احساس گرفتاری پژوهش‌های محدودی صورت پذیرفته است، در این پژوهش بر آنیم که به سؤالات زیر پاسخ دهیم:

1.Young, Rygh,Weinberger & Beck
2.Duggan
3.Maeda Naoki, Nagatomo, Tanaka Yoko and Miura Hiroko
4.Couple Burnout
5.Entrapment
6.Beattie

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1396.3.2.4.9]

آیا وابستگی خاص به همسر می‌تواند احساس گرفتاری و بی‌رمقی زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد؟

آیا جنسیت بر احساس گرفتاری و بی‌رمقی زناشویی تأثیر دارد؟

آیا وابستگی و جنسیت اثر تعاملی بر احساس گرفتاری و بی‌رمقی زناشویی دارد؟

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع علی مقایسه‌ای است. برای نمونه‌گیری جامعه‌ی موردنظر ما کلیه دانشجویان زن و مرد متأهل دانشگاه آزاد واحد قم بود که این تعداد بالغبر ۱۳۰۰۰ نفر بودند. برای برآورد حجم نمونه از جدول مورگان استفاده شد که درنهایت حجم نمونه ۳۵۰ نفر به دست آمد (البته تعداد بیشتری پرسشنامه میان دانشجویان توزیع شد تا این حجم پرسشنامه کامل پرشده به دست آید). این پژوهش در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ در دانشگاه آزاد قم انجام‌شده است.

روش نمونه‌گیری در این پژوهش به‌صورت خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود به این صورت که از میان دانشگاه‌های واقع در استان قم، دانشگاه آزاد اسلامی انتخاب شد و از بین دانشکده‌های علوم انسانی، علوم پایه و علوم پزشکی این دانشگاه دانشکده علوم انسانی به‌صورت تصادفی انتخاب و از میان رشته‌های علوم سیاسی، حقوق، روانشناسی، حسابداری، الهیات، زبان انگلیسی و مدیریت این دانشگاه رشته روانشناسی، حقوق و حسابداری انتخاب شدند. پرسشنامه‌ها سر کلاس‌های این سه رشته میان دانشجویان متأهل به تعداد ۳۸۶ نفر توزیع شد. تعداد ۲۶ پرسشنامه به علت مخدوش بودن از تحلیل‌ها کنار گذاشته شد.

ابزار

سنجه وابستگی خاص به همسر[1]. یکی از ابزارهای مورد به‌کارگیری در این پژوهش سنجه وابستگی خاص به همسر راتوس[2] و اولیری[3] (۱۹۹۷) بود که دربرگیرنده ۳۰ سؤال و سه خرده سنجه (دل‌بستگی

1.Spouse-Specific Dependency Scale
2.Ratus
3.O'Leary

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1396.3.2.4.9]

مضطربانه[1]: سؤالات ۱ تا ۱۰، وابستگی منحصربه‌فرد[2]: سؤالات ۱۰ تا ۲۰ و وابستگی هیجانی[3]: سؤالات ۲۰ تا ۳۰) است. این سنجه پنج گزینه‌ای است. نمره بالا (یک انحراف معیار بالای میانگین) در این سنجه نشانه وابستگی خاص به همسر و نمره پایین (یک انحراف معیار پایین میانگین) نشانه رابطه بهنجار و طبیعی با همسر است (عامری،۱۳۸۸؛ به نقل از بختیار پور، نادری و عامری،۱۳۸۸). روایی هم‌زمان این سنجه در پایان‌نامه عامری (۱۳۸۸؛ به نقل از بختیار پور، نادری و عامری،۱۳۸۸) با سنجه سبک مضطرب دو سوگرای ایمن سیمپون برابر ۰/۷۷ و پایایی آن به روش آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۸۱ به دست آمد. در پژوهش حاضر تراز آلفای کرونباخ برای کل سنجه 90/۰ به دست آمد.

پرسشنامه احساس گرفتاری گیلبرت و آلن[4]. دومین ابزار مورداستفاده بود که دربرگیرنده ۱۶ سؤال است و برای اندازه‌گیری حالت‌های به تله افتادن و تمایل فرار از آن طراحی‌شده است. این پرسشنامه دارای دو خرده سنجه دربرگیرنده گرفتاری بیرونی و رفتاری درونی است. گرفتاری بیرونی مربوط به وقایع و یا شرایط بیرونی و محیطی بوده و دربرگیرنده سؤالات ۱ تا ۱۰ است و گرفتاری درونی شرایط داخلی مانند افکار درونی و احساسات را در برگرفته و دربرگیرنده سؤالات ۱۱ تا ۱۶ است (ویلیامز[5] و همکاران، ۱۹۹۶). شرکت‌کنندگان بر اساس حالات و هیجاناتی که در طول یک هفته گذشته داشته‌اند باید به پرسشنامه پاسخ می‌دادند. این پرسشنامه در طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. نمره بالاتر تراز احساس گرفتاری بیشتر فرد را بیان می‌کند. روایی سازه این سنجه با به‌کارگیری از روش تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی منجر به استخراج و تائید دو عامل گرفتاری بیرونی و درونی شد. ضریب پایایی سنجه با به‌کارگیری از روش آلفای کرونباخ برای کل سنجه ۰/۹۲ و برای خرده سنجه گرفتاری بیرونی ۰/۸۷ و خرده سنجه گرفتاری درونی ۰/۸۸ به دست آمد (قمرانی، سیادتیان و پیشداد،۱۳۹۲). در این پژوهش آلفای کل پرسشنامه ۰/۹۱ به دست آمد.

1.anxious attachment
2.exclusive dependency
3.emotional dependency
4.Gilbert, Allan
5.Williams

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1396.3.2.4.9]

پرسشنامه بی‌رمقی زناشویی[1] زوجین. به‌منظور اندازه‌گیری این سازه از سنجه ۲۰ سؤالی بی‌رمقی زناشویی پاینز[2] به‌کارگیری شده است. در این سنجه، نمرات بالا نشان‌دهنده‌ی بی‌رمقی بیشتر است. برای تفسیر نمره‌ها باید آن‌ها را تبدیل به درجه کرد که این عمل از طریق تقسیم نمودن نمره‌ی حاصل‌شده از پرسشنامه بر تعداد سؤالات به دست می‌آید (پاینز،۲۰۰۶). روایی این سنجه با به دست آمدن همبستگی‌های منفی با ویژگی‌های ارتباطی مثبت به تائید رسیده است مانند نظر مثبت در مورد ارتباط، کیفیت مکالمه، احساس امنیت، خود شکوفایی، احساس هدفمندی، کشش و جاذبه عاطفی به همسر و کیفیت رابطه جنسی آن‌ها. نسخه‌های ترجمه‌شده CBM به‌طور موفقیت‌آمیزی در مطالعات میان فرهنگی در نروژ، مجارستان، مکزیک، اسپانیا، پرتغال و فنلاند استفاده‌شده است (پانیز، ۲۰۰۶؛ ترجمه گوهری راد و افشاری،۱۳۹۲).

ضریب اطمینان آزمون – باز آزمون این سنجه برای یک دوره یک‌ماهه ۰/۸۹، برای یک دوره دوماهه ۰/۷۶ و برای دوره چهارماهه ۰/۶۶ به‌دست‌آمده است. همسانی درونی برای اغلب آزمودنی‌ها با ضریب ثابت آلفا سنجیده شد که میان ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ بود (پاینز،۱۹۹۶؛ ترجمه شاداب، ۱۳۸۱). در ایران نیز نویدی (۱۳۸۴) الفا کرونباخ این پرسشنامه را در مورد ۲۴۰ نمونه ۱۲۰ پرستار و ۱۲۰ معلم اندازه‌گیری کرد که مقدار این ضریب ۰/۸۶ به دست آمد (نویدی،۱۳۸۴). در پژوهش حاضر تراز آلفای کرونباخ ۰/۸۸ به دست آمد.

شیوه اجرای پژوهش

این پژوهش بر روی دانشجویان متأهل اجراشده است پس در اولین قدم محققین پس از اطمینان از تأهل دانشجویان و اطمینان دادن به ایشان در مورد محرمانه بودن پاسخ‌ها پرسشنامه‌ها را میان آنان توزیع کردند. با جلب همکاری ایشان پرسشنامه‌ها در بین دانشجویان کلیه مقاطع و دو جنس در سال تحصیلی ۹۵-۱۳۹۴ توزیع گردید. داده‌های حاصل با به‌کارگیری نرم‌افزار اس پی اس اس و با استفاده از آزمون تحلیل واریانس دومتغیره، به جهت آزمون فرضیات پژوهش، مورد تحلیل قرار گرفت.

1. couple burnout questionnaire
2. Pinze

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1396.3.2.4.9]

یافته‌ها

در ابتدا میانگین و انحراف استاندارد کلیه متغیرهای پژوهش گزارش می‌شود.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد وابستگی خاص به همسر

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
وابستگی خاص به همسر	۳۵۰	۹۶/۹۶	۱۹/۸۷

جدول ۱ نشان می‌دهد، میانگین و انحراف استاندارد «وابستگی به همسر» در نمونه اولیه، به ترتیب برابر با ۹۶/۹۶ و ۱۹/۸۷ برآورد شده است؛ بنابراین جهت طراحی مدل تجربی پژوهش، دانشجویانی که نمرات آن‌ها میان یک انحراف استاندارد بالا و پائین میانگین (نقاط برش پرسشنامه) بود (افراد دارای وابستگی متوسط) حذف و بقیه آزمودنی‌ها در دو گروه دانشجویان با «وابستگی پائین به همسر» و دانشجویان با «وابستگی بالا به همسر» جایگزین شدند (نمرات بالای ۱۱۷ و پائین تر از ۷۷). این نتایج به تفکیک جنسیت، در جدول زیر نشان داده‌شده است.

جدول ۲. جدول فراوانی وابستگی خاص به همسر بر اساس جنس

وابستگی به همسر / جنس	وابستگی پائین	وابستگی بالا	کل
زن	(۴۵/۷)۲۱	(۵۴/۳)۲۵	۴۶
مرد	(۵۹/۶)۳۱	(۴۰/۴)۲۱	۵۲
کل	(۵۶)۵۲	(۴۴)۴۶	۹۸

بر اساس اطلاعات جدول ۲، پس از حذف یک انحراف استاندارد بالا و پائین میانگین مربوط به یکی از متغیرهای مستقل (وابستگی به همسر) تعداد آزمودنی‌ها به ۹۸ نفر کاهش یافت، به‌طوری‌که ۵۴/۳ درصد از زنان دارای «وابستگی بالا به همسر» بودند، درحالی‌که این رقم در خصوص مردان به ۴۰/۴ درصد کاهش یافته است. با توجه به اینکه یکی از مفروضه‌های اصلی طرح تحلیل واریانس عاملی، یکسان بودن تعداد مشاهده‌ها در همه ترکیب‌های ممکن کاربندی است؛ بنابراین در مرحله نهایی انتخاب نمونه، تعداد ۸۰ نفر از دانشجویان به‌گونه‌ای انتخاب شدند که در هر یک از کاربندی‌ها تعداد مساوی از آزمودنی‌ها باشند، مدل تجربی مطالعه حاضر در جدول زیر نشان داده‌شده است.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1396.3.2.4.9]

جدول ۳. طرح عاملی (مدل تجربی) پژوهش

		وابستگی خاص به همسر		
		وابستگی پائین	وابستگی بالا	کل
جنس	زن	۲۰	۲۰	۴۰
	مرد	۲۰	۲۰	۴۰
	کل	۸۰	۴۰	

پس از انتخاب نهایی نمونه، پرسشنامه‌های «احساس گرفتاری» و «بی‌رمقی زناشویی» روی آن‌ها اجرا گردید.

جدول ٤. میانگین و انحراف استاندارد احساس گرفتاری بر اساس وابستگی به همسر و جنسیت (n=۸۰)

		وابستگی خاص به همسر					
		وابستگی پائین		وابستگی بالا		کل	
متغیر وابسته	جنس	M	SD	M	SD	M	SD
گرفتاری احساس	زن	۴۶/۶۷	۸/۳	۴۹/۹	۵/۸	۴۸/۱۴	۷/۴
	مرد	۴۳/۶۳	۹/۴	۴۸/۴	۶/۲	۴۶/۲۸	۸
	کل	۴۵/۴۵	۸/۸	۴۹/۲	۶	۴۷/۳	۷/۷

بر اساس اطلاعات جدول بالا میانگین «احساس گرفتاری» در دانشجویان با «وابستگی بالا به همسر»، بیشتر از دانشجویانی است که «وابستگی پائینی به همسر» دارند. بااین‌وجود تفاوت قابل‌توجه ای میان دانشجویان متأهل زن و مرد مشاهده نمی‌شود.

جدول ۵. میانگین و انحراف استاندارد بی‌رمقی زناشویی بر اساس وابستگی به همسر و جنسیت (n=۸۰)

		وابستگی خاص به همسر					
		وابستگی پائین		وابستگی بالا		کل	
متغیر وابسته	جنس	M	SD	M	SD	M	SD
بی‌رمقی زناشویی	زن	۳۷/۲۱	۱۶	۵۳/۵۵	۱۴	۴۴/۶۳	۱۷/۰۹
	مرد	۴۵/۷۵	۲۱/۵	۴۶	۱۸/۳	۴۵/۸۹	۱۹/۵
	کل	۴۰/۶۳	۱۸/۷	۴۹/۷۸	۱۶/۶	۴۵/۲	۱۸/۱

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1396.3.2.4.9]

جدول ۵ نشان می‌دهد که آزمودنی‌هایی که دارای «وابستگی بالایی به همسر» هستند، در پرسشنامه «بی‌رمقی زناشویی» نیز نمره بالاتری را به دست آورده‌اند، همچنین تغییرات نمره «بی‌رمقی زناشویی» در دانشجویان متأهل زن، بیشتر از دانشجویان متأهل مرد است.

بررسی فرضیات پژوهش: فرضیه ۱: وابستگی خاص به همسر بر احساس گرفتاری دانشجویان متأهل مؤثر است.

فرضیه ۲: جنسیت بر احساس گرفتاری دانشجویان متأهل مؤثر است.

فرضیه ۳: وابستگی خاص به همسر و جنسیت بر احساس گرفتاری دانشجویان متأهل تأثیر هم‌زمان دارد.

با توجه به ماهیت پژوهش، هر ۳ فرضیه بالا با به‌کارگیری تحلیل واریانس عاملی (دوراهه) مورد آزمون قرار گرفت.

ابتدا مفروضه همگنی واریانس گروه‌ها با به‌کارگیری آزمون لوین موردبررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول زیر نشان داده‌شده است.

جدول ٦. خلاصه آزمون لوین جهت بررسی همگنی واریانس گروه در متغیر احساس گرفتاری

F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
۱/۹۴	۳	۷۶	۰/۱۳

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری آزمون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است، یعنی همگنی واریانس‌ها تائید می‌گردد.

جدول ۷. خلاصه آزمون اثر اصلی و تعاملی متغیرهای مستقل بر احساس گرفتاری

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معناداری	اندازه اثر
شده‌مدل تصحیح	۳۸۵/۱	۳	۱۲۸/۴	۲/۳	۰/۰۹	۰/۰۸۳
عرض از مبدأ	۱۷۴۲۰۴/۸	۱	۱۷۴۲۰۴/۸	۳۰۹۳/۶	۰/۰۱	۰/۹۷۶
اثر اصلی وابستگی خاص به همسر	۳۱۴/۱	۱	۳۱۴/۱	۵/۶	۰/۰۲	۰/۰۶۸
اثر اصلی جنسیت	۱۰۱/۰۳	۱	۱۰۱/۰۳	۱/۸	۰/۱۸	۰/۰۲۳
اثر تعاملی جنسیت و وابستگی به همسر	۱۱/۶	۱	۱۱/۶	۰/۲۱	۰/۶۵	۰/۰۰۳
خطا	۴۲۷۹/۷	۷۶	۵۶/۳			
کل	۱۸۳۶۴۸	۸۰				

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1396.3.2.4.9]

اولین فرضیه‌ای که باید در آنالیز عاملی آزمون شود، اثرات متقابل ۱ عامل‌هاست. چنانکه در جدول بالا ملاحظه می‌گردد، سطح معنی‌داری F مربوط به اثر تعاملی «جنسیت» و «وابستگی خاص به همسر» بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است ($F_{(1,76)}=.21\ ,\ P=.65$) بنابراین، شواهد کافی برای رد فرضیه صفر وجود ندارد. ازاین‌روی می‌توان گفت وابستگی خاص به همسر و جنسیت بر احساس گرفتاری دانشجویان متأهل تأثیر هم‌زمان ندارد (عدم تائید فرضیه سوم).

بااین‌وجود اثر اصلی «وابستگی خاص به همسر» در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است ($F_{(1,76)}=5.6\ ,\ P=.02$). به‌عبارت‌دیگر «احساس گرفتاری» در دانشجویان با «وابستگی بالا به همسر» و دانشجویان با «وابستگی پائین به همسر» یکسان نیست. به‌طوری‌که از مقایسه میانگین‌های جدول ۴ استنباط می‌شود، «احساس گرفتاری» دانشجویانی که داری «وابستگی پائینی به همسر هستند»، کمتر از دانشجویانی است که «وابستگی بالایی» به همسر خوددارند (تائید فرضیه اول). اندازه اثر نیز نشان می‌دهد که تقریباً ۶/۸ درصد از واریانس «احساس گرفتاری» از طریق انتساب به گروه‌ها قابل تبیین است.

همچنین اطلاعات جدول نشان می‌دهد که اثر اصلی «جنسیت» بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است ($F_{(1,76)}=1.8\ ,\ P=.18$)؛ یعنی «جنسیت» به‌تنهایی، نقشی در تغییرات «احساس گرفتاری» دانشجویان ندارد (عدم تائید فرضیه دوم).

فرضیه ۴: وابستگی خاص به همسر بر بی‌رمقی زناشویی دانشجویان متأهل مؤثر است.

فرضیه ۵: جنسیت بر بی‌رمقی زناشویی دانشجویان متأهل مؤثر است.

فرضیه ۶: وابستگی خاص به همسر و جنسیت بر بی‌رمقی زناشویی دانشجویان متأهل تأثیر هم‌زمان دارد.

فرضیه‌های بالا نیز توسط تحلیل واریانس دوعاملی مورد آزمون قرار گرفت.

جدول ۸. خلاصه آزمون لوین جهت بررسی همگنی واریانس گروه در متغیر بی‌رمقی زناشویی

F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معناداری
۱/۵	۳	۷۶	۰/۲۳

آزمون لوین همگنی واریانس‌ها را موردبررسی و تائید قرار داد.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1396.3.2.4.9]

جدول ۹. خلاصه آزمون اثر اصلی و تعاملی متغیرهای مستقل بر بی‌رمقی زناشویی

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معنی‌داری	اندازه اثر
شده‌مدل تصحیح	۲۹۴۴/۹	۳	۹۸۱/۶	۳/۲	۰/۰۳	۰/۱۱۴
عرض از مبدأ	۱۶۳۱۴۷/۶	۱	۱۶۳۱۴۷/۶	۵۳۹/۱	۰/۰۱	۰/۸۷۶
اثر اصلی وابستگی به همسر	۱۳۴۸/۳	۱	۱۳۴۸/۳	۴/۵	۰/۰۴	۰/۰۵۵
اثر اصلی جنسیت	۴/۸	۱	۴/۸	۰/۰۲	۰/۹	۰/۰۱
اثر تعاملی وابستگی به همسر و جنسیت	۱۲۶۸/۳	۱	۱۲۶۸/۳	۴/۲	۰/۰۴۴	۰/۰۵۲
خطا	۲۲۹۹۹/۹	۷۶	۳۰۲/۶			
کل	۱۸۹۳۸۸	۸۰				

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که اثر تعاملی «وابستگی خاص به همسر» و «جنسیت» بر «بی‌رمقی زناشویی» دانشجویان متأهل در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است ($F_{(1,76)} = 4.2 \ , \ P = .044$)؛ بنابراین می توان فرضیه صفر را در ۵ درصد به نفع فرضیه تحقیق رد کرده و با ۹۵ درصد اطمینان پذیرفت که «وابستگی خاص به همسر» و «جنسیت» بر «بی‌رمقی زناشویی» دانشجویان متأهل تأثیر هم‌زمان دارد (تائید فرضیه ششم). به‌طوری‌که تراز این اثر برابر با ۵/۲ درصد برآورد شده است. مقایسه میانگین گروه‌ها در جدول ۵ نیز نشان می‌دهد که میانگین «بی‌رمقی زناشویی» دانشجویان متأهل زن، با وابستگی بالا به همسر، بیشتر از دانشجویان متأهل مرد است؛ یعنی نقش «وابستگی خاص به همسر» بر «بی‌رمقی زناشویی» در دانشجویان متأهل زن، بیشتر از دانشجویان متأهل مرد است.

همچنین اثر اصلی «وابستگی خاص به همسر» بر «بی‌رمقی زناشویی» نیز در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار است ($F_{(1,76)} = 4.5 \ , \ P = .04$). (تائید فرضیه چهارم). به‌طوری‌که اطلاعات جدول ۵ نیز نشان می‌دهد «بی‌رمقی زناشویی» دانشجویان متأهلی که وابستگی بالایی به همسر دارند، بیشتر از دانشجویانی است که تراز «وابستگی به همسر» در آن‌ها پائین است؛ و این درحالی‌که است که سطح معنی‌داری اثر اصلی «جنسیت» بر «بی‌رمقی زناشویی» بزرگ‌تر از ۰/۰۵ گزارش‌شده است ($F_{(1,76)} = .02 \ , \ P = .9$)؛ یعنی «جنسیت» تأثیری در «بی‌رمقی زناشویی» دانشجویان متأهل ندارد (عدم تائید فرضیه پنجم).

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1396.3.2.4.9]

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تجزیه‌وتحلیل داده‌ها نشان داد که وابستگی خاص به همسر بر احساس گرفتاری دانشجویان متأهل تأثیر دارد؛ بدین معنی که احساس گرفتاری در دانشجویان با وابستگی بالا به همسر و دانشجویان با وابستگی پائین به همسر یکسان نیست. به‌طوری‌که احساس گرفتاری دانشجویانی که داری وابستگی پائینی به همسر هستند، کمتر از دانشجویانی است که وابستگی بالایی به همسر خود دارند. همچنین جنسیت به‌تنهایی بر احساس گرفتاری دانشجویان متأهل تأثیر ندارد؛ بدین معنی که احساس گرفتاری دانشجویان متأهل مرد و زن می‌تواند به یک تراز باشد. جنسیت و وابستگی خاص به همسر بر احساس گرفتاری دانشجویان متأهل تأثیر تعاملی ندارند؛ بدین معنی که وابستگی خاص به همسر و جنسیت بر احساس گرفتاری دانشجویان متأهل تأثیر هم‌زمان ندارد.

مرور پژوهش‌های پیشین بر این امر تأکید دارد که نقش وابستگی خاص به همسر بر احساس گرفتاری متأهلین موردتوجه پژوهشگران نبوده است و در راستای یافته‌های این مطالعه، پژوهشی با بررسی منابع گوناگون، یافت نشده است؛ ولی در پژوهش‌هایی نسبتاً مشابه با این پژوهش، دوگان (۲۰۱۰) وابستگی و سلامت روان و افسردگی را بر روی ۷۸ زوج که یکی از طرفین دچار افسردگی بود را بررسی کردند و نتایج مشخص کرد در زوج‌هایی که یکی از طرفین افسرده است، وابستگی، افسردگی بیشتر، شناخت‌های منفی و اضطراب را پیش‌بینی کرده و انسجام پایین‌تر و خشنودی رابطه‌ای پایین‌تر را نیز پیش‌بینی می‌کند و درنتیجه با سلامت روان رابطه منفی وجود دارد.

رابرت و همکاران (۲۰۰۹) در مطالعه خود عنوان نمودند فردی که احساس گرفتاری را تجربه می‌کند تصور دارد رفتارهای دفاعی وی فاقد کارایی بوده و افسردگی در زندگی وی غالب گشته و نقش همسر بودن خود را به‌درستی به انجام نمی‌رساند. مظاهر زندگی اجتماعی انسان، وجود تعامل‌های سالم و سازنده میان انسان‌ها و برقرار بودن عشق به همنوع و ابراز صمیمیت و همدلی به یکدیگر است. هنگامی‌که دو نفر در یک ارتباط وابسته به یکدیگر قرار می‌گیرند هر یک بر دیگری قدرت برآوردن سلامتی و نیازهای رفاهی‌اش را می‌دهند ولی هنگامی‌که دو نفر به یکدیگر هم وابسته می‌شوند هر یک به دیگری قدرتی را می‌دهند که حس اعتمادبه‌نفس دیگری را تحت کنترل قرار می‌دهد (اشرف، ۱۳۸۸). فرد وابسته به دیگران تکیه کرده و از توانایی فکر و اندیشه خود استفاده نمی‌کند. او بدون فکر در تمامی امور زندگی از دیگران تقلید کرده و

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1396.3.2.4.9]

از آن‌ها فرمان‌برداری می‌کند. این زوجین نمی‌توانند بدون توجه به‌سلامت و نیازهای اساسی خود به‌طور مسئولانه‌ای تنها به زوج و مراقبت از او مشغول شود. بر روی احساسات خود سرپوش می‌گذارد و خواست‌های خود را مطرح نمی‌کنند، زیرا تنها به احساس و خواست‌های فرد دیگر توجه دارد. بدین ترتیب با توجه موارد بیان‌شده می‌توان عنوان داشت ازآنجایی‌که زوجین وابسته عزت‌نفس پایینی دارند، ترس از تنهایی زیادی دارند، احساس ناایمنی شدیدی را تجربه می‌نمایند، از هویت مستقلی برخوردار نمی‌باشند، تنفر از اقتدارطلبی داشته و به بیماری‌های جسمانی مرتبط با استرس مانند اختلالات معده‌ای، روده‌ای، زخم معده و ... بیشتر مبتلا می‌شوند و خودناارزنده سازی، انگیزه پایین و بدبینی به آینده از دیگر ویژگی‌های آن‌ها است، می‌توان انتظار داشت که این افراد مستعد احساس گرفتاری بیشتر در رابطه با همسر باشند.

فردی که احساس گرفتاری را تجربه می‌کند تصور دارد رفتارهای دفاعی وی فاقد کارایی بوده و لذا تمایل به گریز از موقعیت جاری دارد؛ درعین‌حال فکر می‌کند تمام راه‌های ممکن برای فائق آمدن وی بر این موقعیت مسدود شده است (گیلبرت و آلن ۲۰۰۸)؛ بدین ترتیب زوجینی که وابستگی خاص بالایی به همسر خود دارند، احساس می‌کنند در روابطی قرارگرفته‌اند که از طرفی نمی‌توانند نیازهای بنیادین روانی خود را ارضاء نمایند و هویت مستقلی داشته باشند و رضایت درونی از خود داشته باشند و از طرفی قادر به رهایی از این رابطه نمی‌باشند.

به‌بیان‌دیگر در تبیین این یافته می‌توان بر نظریه طرح‌واره تأکید نمود، در این نظریه بر ۵ نیاز بنیادی تأکید شده است که یکی از این نیازها، نیاز به خودمختاری است و چنانچه این نیاز بر طرف نشود، طرح‌واره‌هایی منطبق بر این نیاز شکل می‌گیرد که به حوزه عملکرد و خودگردانی مختل اطلاق شده است (حمید پور و اندوز، ۱۳۸۶). بیمارانی که طرح‌واره‌ی وابستگی – بی‌کفایتی دارند احساس می‌کنند بدون کمک جدی دیگران نمی‌توانند از عهده‌ی مسئولیت‌های روزمره‌شان برآیند. به‌عنوان‌مثال، آن‌ها احساس می‌کنند توانایی کسب درآمد، حل مشکلات، خوب قضاوت کردن، به عهده گرفتن وظایف جدید تصمیم‌گیری درست را ندارند (حمید پور و اندوز، ۱۳۸۶).

همچنین بیمارانی که طرح‌واره‌ی خود تحول نیافته – گرفتار دارند، اغلب در خصوص ارتباطشان با یکی یا چند نفر از افراد مهم زندگی‌شان (اغلب والدین)، بیش‌ازحد اشتغال ذهنی دارند و به همین دلیل، فردیت و رشد اجتماعی بیماران به آن‌ها وابسته است. این بیماران، سخت معتقدند که حداقل یکی از افراد این رابطه،

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1396.3.2.4.9]

نمی‌تواند بدون دیگری به زندگی ادامه دهد. این طرح‌واره اغلب خود را به‌صورت احساس پوچی و سردرگمی، جهت نداشتن و بی‌هدفی و یا در موارد شدید به‌صورت شک و تردید در موجودیت و ساختار وجودی فرد بروز می‌دهد. این طرح‌واره ممکن است احساساتی مثل غرق در شخصیت طرف مقابل شدن، فقدان هویت و بی‌هدف بودن زندگی را در بربگیرد (حمید پور و اندوز، ۱۳۸۶). بدین روی می‌توان گفت که زوجینی وابستگی خاص شدیدتری به همسر خود دارند، احتمالاً دارای طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه خودگردانی مختل می‌باشند و بدین ترتیب با توجه به اینکه این طرح‌واره‌ها می‌تواند بر تمام شمول زندگی تأثیر گذاشته و به درماندگی فرد بیانجامد، این دانشجویان متأهل گرفتاری بیشتری را احساس خواهند نمود.

همچنین نتایج حاصل از بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که وابستگی خاص به همسر بر بی‌رمقی زناشویی دانشجویان متأهل تأثیر دارد؛ بدین معنی که بی‌رمقی زناشویی در دانشجویان با وابستگی بالا به همسر و دانشجویان با وابستگی پائین به همسر یکسان نیست. به‌طوری‌که بی‌رمقی زناشویی دانشجویانی که داری وابستگی پائینی به همسر هستند، کمتر از دانشجویانی است که وابستگی بالایی به همسر خود دارند. جنسیت به‌تنهایی بر دل‌زدگی زناشویی دانشجویان متأهل تأثیر ندارد؛ بدین معنی که دل‌زدگی زناشویی دانشجویان متأهل زن و مرد نسبتاً می‌تواند به یک تراز باشد. وابستگی خاص به همسر و جنسیت بر دل‌زدگی زناشویی دانشجویان متأهل تأثیر تعاملی دارد؛ بدین معنی که نقش وابستگی خاص به همسر و جنسیت بر دل‌زدگی زناشویی دانشجویان متأهل زن، بیشتر از دانشجویان متأهل مرد است.

در این راستا مرور پژوهش‌ها نشان از آن دارد کمتر پژوهش نقش وابستگی خاص به همسر را در بی‌رمقی زناشویی بررسی نموده‌اند. در یکی از این معدود پژوهش‌ها و همسو با یافته‌های این پژوهش، بختیار پور و عامری (۱۳۸۸) در تحقیق خود نقش وابستگی خاص به همسر و باورهای غیرمنطقی را در بی‌رمقی زناشویی بررسی نمودند، نشان دادند که میان وابستگی خاص به همسر و باورهای غیرمنطقی با بی‌رمقی زناشویی دبیران رابطه مثبت معنی‌دار وجود دارد.

بالور[1] (۲۰۰۷) نیز در پژوهش خود دریافت هم تفکرات بی‌رمقی و هم رفتارهای بی‌رمقی به طرز مثبتی با تفکرات و باورهای غیرمنطقی همبسته بود. کارناوال (۲۰۰۷) در پژوهشی که به‌منظور بررسی دل‌زدگی و وابستگی انجام گرفت، مشخص نمود وابستگی در بی‌رمقی زوجین نقش دارد. وقتی توقعات عاشقانه محقق

1. Balver

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1396.3.2.4.9]

نشوند، احساس سرخوردگی مستقیماً به همسر نسبت داده، می‌شود و سبب تحلیل رفتن عشق و تعهد می‌شود و بی‌رمقی جایگزین عشق می‌شود. بی‌رمقی زناشویی یک حالت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است و کسانی را که توقع دارند عشق رؤیایی و ازدواج به زندگی‌شان معنا ببخشد را متأثر می‌سازد. بی‌رمقی هنگامی بروز می کند که آن‌ها متوجه می‌شوند که علی‌رغم تمام تلاش‌هایشان، رابطه‌شان به زندگی معنا نداده و نخواهد داد (سودانی، دهقانی، دهقان‌زاده، ۱۳۹۲). بی‌رمقی زناشویی که ناشی از عدم تناسب میان انتظارات و واقعیت است و تراز آن به تراز سازگاری زوجین و باورهایشان بستگی دارد، امری تدریجی است و به‌ندرت ناگهانی اتفاق می‌افتد (اسدی، منصور، خدابخشی و فتح‌آبادی، ۱۳۹۲)؛ بنابراین یکی از عوامل مهم در بروز بی‌رمقی زناشویی، عدم پاسخگویی به توقعات و ارضاء نیازهای زوجین است.

همچنین وابستگی شدید به‌ویژه در روابط با همسر می‌تواند به‌مثابه هر نوع رنج و آشفتگی‌ای تعریف شود که از تمرکز و توجه فرد بر نیازها و رفتار دیگران ناشی می‌شود و یا به‌نوعی در ارتباط با نیازها و رفتار دیگران است (لوینگستون، ۲۰۰۸). افراد وابسته به دیگران و در رابطه با همسر به همسر اجازه می‌دهد با سوء رفتارش بر او تأثیر گذاشته و میل وسواس گونه‌ای برای کنترل و تغییر دادن در او ایجاد کند (سیمونزسلف، ۲۰۱۰). از طرفی این زوجین احساس خوشحالی و رضایت از زندگی نمی‌کنند، به دنبال خوشبختی در دنیای بیرون از خود حقیقی اشان هستند و با ناامیدی در جست‌وجوی تائید و محبت هستند (بیتی، ۱۳۸۸). بدین ترتیب با توجه به اینکه پیشتر مطرح گردید عدم پاسخگویی به توقعات و ارضاء نیازهای زوجین ازجمله عوامل اصلی بی‌رمقی زناشویی است، می‌توان عنوان داشت که زوجین وابسته بر نیازها و خواسته‌های همسر خود توجه افراطی نشان داده و از خواسته‌های خود معمولاً می‌گذرند، ولی معمولاً بازخورد مناسبی از همسر خود دریافت نمی‌نمایند و درنتیجه احساس خشم و نفرت زیادی را تجربه می‌نمایند و بدین‌سان یک ارتباط سالم و مؤثر میان فردی در رابطه این زوج‌ها شکل نمی‌گیرد که این ناکامی خود می‌تواند تبیین کننده بی‌رمقی بیشتر دانشجویان متأهل از رابطه با همسر خود باشد.

از طرفی در رابطه با این یافته که تأثیر وابستگی خاص به همسر بر بی‌رمقی زناشویی در زنان متأهل بیشتر می‌باشد، می‌توان عنوان نمود احتمالاً زنان همراه با وابستگی خاصی به همسر خود دارند بیشتر انتظار دارند که از سوی همسر مورد مراقبت قرار گیرند، همسرشان بیشتر از ایشان حمایت نماید و و مورد یاری قرار بگیرند، همسران اشان تکیه گاه همیشگی ایشان باشد و این زنان نیاز به چسبندگی بیش از اندازه ای به همسر خود

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1396.3.2.4.9]

دارند که همه این موارد به تیپ رفتاری مردان که کمتر می‌توانند این نیازها و انتظارات را برآورده سازند، این زنان دچار ناکامی شده و درنتیجه بی‌رمقی بیشتری را تجربه می‌نمایند.

محدودیت‌های پژوهش: در مورد تعمیم نتایج به جامعه‌های آماری دیگر باید جوانب احتیاط را در نظر گرفت، چون این پژوهش فقط بر روی گروه دانشجویان متأهل صورت گرفته است. تداخل سایر عوامل شخصیتی و روان‌شناختی در نتایج پژوهش و عدم کنترل نقش عوامل مزاحم و تداخل کننده‌ای چون ویژگی‌های شخصیتی، حمایت اجتماعی و ... از دیگر محدودیت‌های این پژوهش است. اندک بودن بررسی‌های انجام‌شده در این زمینه در ایران و خارج از کشور و نیز محدودیت دسترسی به این منابع پژوهشگر را در مقایسه یافته‌های این پژوهش با سایر یافته‌ها با مشکل مواجه کرد.

پیشنهادها: پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آینده و در غالب طرح‌های معادلات ساختاری نقش سایر عوامل شخصیتی و روان‌شناختی در رابطه با نقش وابستگی خاص به همسر در احساس گرفتاری و بی‌رمقی زناشویی موردبررسی قرار گیرد تا بتوان شناخت دقیق‌تری از نقش وابستگی خاص به همسر در احساس گرفتاری و بی‌رمقی زناشویی به دست آورد. پیشنهاد می‌گردد پژوهش‌های آینده طرح‌های کیفی و کمی را در کنار هم قرار دهد تا بتواند بر غنای اطلاعات دریافتی از سوی دانشجویان بیفزاید و با تلفیق این داده‌ها، بتوان شناخت بهتری از تأثیر وابستگی خاص به همسر در احساس گرفتاری و بی‌رمقی زناشویی به دست آورد.

سپاسگزاری و قدردانی: از مسئولین دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم و ساوه که در انجام این پایان‌نامه کارشناسی ارشد همکاری‌های لازم را مبذول داشته‌اند کمال تشکر را داریم. از تمامی دانشجویان که باحوصله در پر کردن پرسشنامه‌ها صبوری نمودند سپاسگزاری می‌کنیم.

منابع

اسدی، عدالت؛ منصور، لادن؛ خدابخشی کولایی، آناهیتا؛ فتح‌آبادی، جلیل. (۱۳۹۲). بررسی رابطه میان دل‌زدگی زناشویی، باورهای بدکاری جنسی و احقاق جنسی در زنان دارای همسر مبتلابه دیابت و مقایسه آن با زنان دارای همسر غیر مبتلا. *خانواده پژوهی*، ۹ (۳۵)، ۳۲۴-۳۱۱.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1396.3.2.4.9]

اشرف، محمدحسین. (۱۳۸۸). *ارائه مدل هم‌وابستگی بر اساس ویژگی‌های همسران افراد معتاد به مواد مخدر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.

بختیار پور، سعید و عامری، زینب. (۱۳۸۸). رابطه میان وابستگی خاص نسبت به همسر و باورهای غیرمنطقی و دل‌زدگی زناشویی در دبیران متأهل اهواز. *یافته‌های نو در روانشناسی*، ۴(۱۰)، ۷۰-۵۳

بختیار پور، سعید، نادری، فرح و عامری، زینب. (۱۳۸۸). رابطه وابستگی خاص نسبت به همسر و سلامت روان در دبیران اهواز. *زن و فرهنگ*، ۱(۲)،۹۲-۷۳.

بیتی، ملودی. (۱۳۸۸). *هم‌وابستگی دیگر بس است*. ترجمه حسام‌الدین معصومیان شرقی. نشر: معصومیان شرقی

پاینز، آیالامالاچ. (۲۰۰۶). *دل‌زدگی از روابط زناشویی* .ترجمه سید حبیب گوهری راد و کامران افشاری. (۱۳۹۲). تهران: انتشارات رادمهر.

پائیز، آیال ماچ. (۱۹۹۶). *چه کنیم تا عشق رؤیایی به دل‌زدگی نینجامد*. ترجمه شاداب، فاطمه، تهران، انتشارات قدس.

سودانی، منصور. دهقانی، مصطفی. دهقان‌زاده، زهرا. (۱۳۹۲). اثربخشی آموزش تحلیل ارتباط محاوره‌ای بر دل‌زدگی زناشویی و کیفیت زندگی زوجین. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*. ۳(۲)، ۱۶۰-۱۸۰.

قمرانی، امیر، سیادتیان، حسین، پیشداد، روح‌الله. (۱۳۹۲). *ارزیابی روایی و پایایی سنجه گرفتاری در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان*. مجله دانشگاه علوم پزشکی قم. ۷(۶)، ۵۴-۶۱.

یانگ، جفری؛ کلوسکو، ژانت و ویشار، مارجوری. (۲۰۰۳). *طرح‌واره درمانی: راهنمای کاربردی برای متخصصان بالینی*. ترجمه‌ی حسن حمید پور و زهرا اندوز (۱۳۸۸)، چاپ اول، تهران: انتشارات ارجمند.

نعیم، سامیه. (۱۳۹۱). *رابطه دل‌زدگی زناشویی، رابطه صمیمی با همسر، تعارضات زناشویی با خشونت علیه زنان شهر ایلام*. پایان‌نامه چاپ‌نشده کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی. دانشگاه آزاد اسلامی شهر اهواز.

نویدی، فاطمه. (۱۳۸۴). *بررسی و مقایسه رابطه دل‌زدگی زناشویی با عوامل جوسازمانی در کارکنان ادارات آموزش‌وپرورش و پرستاران بیمارستان‌های شهر تهران*. پایان‌نامه‌ی چاپ‌نشده‌ی کارشناسی ارشد در رشته مشاوره. دانشگاه شهید بهشتی.

References

Arnold, W.D, Elsheikh B,H. (2013). Entrapment neuropathies. *Neurol Clin*.; 31(2):405-24.

Balver, R. (2007). Professional nursing Burnout and Irrational Thinking. *Journal article springer*, 12, 123-125.

Beattie,m. (2008).*codependency portage path behavioral health*. Web Sit:www.potage patt.org

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1396.3.2.4.9]

Duggan, A. (2010). *Codependency as an influence on control strategies and Relational satisfaction in couples including one Depressed Individual. Paper presented at the annual meeting of the International Communication Association*, TBA, and San Francisco, CA.

Gilbert, P., &Allan S. (2008).The role of defeat and entrapment (arrested flight) in depression: An exploration of an evolutionary view. *Psychol Med May*; 28(3):585-98.

Livingston, A. (2008). Assessing codependency in student athletes at division i historically black colleges and university, *UMI dissertation publishing، copyright by ProQuest.*

Maeda Naoki, Nagatomo, Tanaka Yoko and Miura Hiroko. (2010).Codependency and Mental Health in social welfare students. *Journal of Kyushu University of health and welfare*, 8:79-87.

Pinez, A. M. (2006). Couples burnout: courses and cures. London rout ledge, 32, 1-27.

Rathus H. and O'Leary, K. D (1997). Spouse-specific dependency scale: scale development, *Journal of Family Violence*, 12(2), 159–168.

Susan (2009) women emotional dependence on men: scale. Journal Psychiatry 199-289.

Simmons self, J. (2010). Codependency among nurses: A comparison by substance use disorder and other selected variable, *UMI dissertation publishing, copyright by ProQuest.*

Trachsel M, Krieger T, Gilbert P, Grosse Holtforth M. (2010).Testing a German adaption of the entrapment scale and assessing the relation to depression. *Depress Res Treat*, 20(10):501782.

Taylor PJ, Gooding A, Wood AM, Johnson J, Pratt D, Tarrier N(2010). Defeat and entrapment in schizophrenia: The relationship with suicidal ideation and positive psychotic symptoms. *Psychiatry Res;178* (2):244-8.

Taylor PJ, Wood AM, Gooding P, Tarrier N. Appraisals and suicidality: The mediating role of defeat and entrapment. *Arch Suicide Res* 2010; 14(3):236-47

Trachsel M, Krieger T, Gilbert P, Grosse Holtforth M. (2010). Testing a german adaption of the entrapment scale and assessing the relation to depression. *Depress Res Treat* 220(10):501782.

Williams JM, Ellis NC, Tyers C, Healy H, Rose G, MacLeod AK. (2005).The specificity of autobiographical memory and image ability of the future. *Mem Cognit*; 24(1):116-25.

Young, J. E., Rygh, J. L., Weinberger, A. D., & Beck, A. T. (2008).Cognitive therapy for depression. In D. H. Barlow (Ed.).Clinical handbook of psychological disorders (pp. 250-306). New York: Guilford Press.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1396.3.2.4.9]

References (In Persian)

Asadi, E, Mansour, L; Koolai, Khodabakhshi, A, Fath Abadi, G. (2013). The Relationship Between Couple Burnout, Sexual Assertiveness, and Sexual Dysfunctional Beliefs in Women With Diabetic Husbands and Comparing Them With Women With Non-Diabetic Huzbands. *Family research*, 9 (35), 324-311.

Ashraf, M H. (2009). *Providing a dependency model based on the characteristics of the wives of drug addicts. Master's Thesis*. Allameh Tabatabaei University.

Bakhtiyarpour, S and Ameri, Z. (2009). Relationship between spouse-specific dependency and irrational beliefs and Couples burnout in married teachers in Ahvaz. *New Findings in Psychology*, 4 (10), 70-53.

Bhakkidpour, S, Naderi, F and Ameri, Z. (2009). Relation Between spouse-specific dependency and Mental Health in Ahwaz Teachers. *Woman and Culture*, 1 (2), 92-73.3.

Biti,M. (2009). *There is also enough dependency. Translation of Hesam al-Din Masomian Sharghi. Publication*: Masomian Sharghi.

Pines, A, M (2006). *Burnout of marital relationships. Translation by Seyyed Habib Gohari Rad and Kamran Afshari* (1392). Tehran: Radmehr Publications.

Pines, A, Mh(2006). Keeping the Spark Alive: *Preventing Burnout in Love and Marriage translation* by Fatemeh Shadab, Tehran: Ghods publications.

Soodani,M؛ Dehghani,M؛ Dehghanizadeh, Z(2013). The Effectiveness of Transactional Analysis Training on Couple's Burnout and Quality of Couple's Life, *Family counseling and psychotherapy*, 3(2). 160-180.

Ghamarani, A; Siadatian, H; Pishdad, R (2014). An Investigation of Validity and Reliability of Entrapment Scale in the Students of Isfahan University of Medical Sciences, *Qom University of Medical Sciences Journal*, 7(6), 54-61.

Young, J, Klosko, E., Janet S., and Marjorie E. Weishaar. (2003). *schema Therapy: A Practitioner's Guide*, Translated by Hasan Hamidpour and Zahra Endouz (2009). First Edition. Tehran: Arjmand Publication.

Naeem, S (2012). *Relationship between couple burnout, intimate relationship with the wife, marital conflicts with violence against women in the city of Ilam*. Unpublished Thesis Undergraduate Psychology. Islamic Azad University of Ahwaz.

Navidi, F. (2005). *Investigation and comparison of the relationship between couple burnout and organizational climate factors among staff of educational departments and nurses of Tehran hospitals*. Undergraduate Master's Thesis in Counseling. Shahid Beheshti University.

[Downloaded from fpcej.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.24234869.1396.3.2.4.9]